



درس فارح فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۲۴ آبان ۱۴۰۲

مصادف با: ۱ جمادی الاول ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - تعریف پول - بررسی دو مطلب مرتبط با تعریف برگزیده -

تقسیمات پول - تقسیم دوم، سوم و چهارم

جلسه: ۱۱

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

عرض کردیم برای پول تقسیمات مختلفی به اعتبارات مختلف ذکر شده است؛ دو تقسیم در جلسه گذشته بیان شد. تقسیم اول به اعتبار سیر تکاملی پول بود؛ تقسیم دوم به اعتبار وجود ارزش مصرفی یا عدم آن بود که گفتیم به این اعتبار به دو قسم پول حقیقی و پول اعتباری تقسیم می‌شود.

تقسیم سوم: تقسیم به اعتبار نشر دهنده

تقسیم سوم برای پول، به اعتبار نشر دهنده آن است؛ البته مقسم در این قسم عمدتاً پول اعتباری است، هر چند اگر از بعضی از اقسام صرف نظر کنیم، می‌تواند پول حقیقی هم مورد نظر باشد؛ اما عمدتاً مقسم در این قسم، پول اعتباری است. پول اعتباری به لحاظ اینکه چه نهادی آن را نشر می‌دهد، در یک تقسیم کلی به دو قسم تقسیم می‌شود:

قسم اول: پولی است که دولت و حکومت مرکزی آن را نشر می‌دهد.

قسم دوم: پولی است که توسط مؤسسات و نهادهای مالی و بانکی یا غیربانکی غیردولتی یا دولتی به جریان می‌افتد. در اولی نشر دهنده دولت است، در دومی بانک‌ها و مؤسسات مالی هستند، اعم از دولتی و خصوصی.

انواع قسم اول

قسم اول خودش دارای چهار قسم است؛ پولی که توسط دولت به جریان می‌افتد و اصطلاحاً به آن پول رایج گفته می‌شود، بر چهار نوع است:

۱. نوع اول پول دلالتی است؛ منظور از پول دلالتی نوعی پول اعتباری نقد است که ارزش آن به صورت پول بیش از ارزش بازاری ماده‌ای است که در پول به کار رفته است. مثلاً شما همین سکه‌ها را در نظر بگیرید؛ این سکه‌هایی که البته الان فکر نمی‌کنم یافت شود، سکه‌های پنج ریالی، ده ریالی، بیست ریالی، تا پانصد ریالی وجود داشت؛ در این سکه‌ها از موادی مانند تفره، قلع، روی، مس، نیکل استفاده می‌شد. ارزش آن مواد وقتی به صورت پول در می‌آید، بیش از آن ارزش ماده‌ای است که در آن به کار رفته است. مجموع مقدار ماده‌ای که برای این سکه‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند، مثل مس و قلع و نیکل و... نسبت به ارزش پولی اینها یا ارزش مبادله‌ای اینها بسیار ناچیز است. بله، تک‌تک که نگاه کنیم، ممکن است این ارزش‌ها به هم نزدیک باشد؛ مثلاً مقدار مس یا روی به کار رفته در یک سکه پنج ریالی در مقایسه با ارزش این پنج ریال ممکن است نزدیک باشد فاصله این دو، ولی وقتی نسبت به کل و مجموع مقدار عرضه شده این سکه‌ها در بازار ملاحظه می‌شود، این ارزش خیلی ناچیز است. به این می‌گویند پول دلالتی که الان شاید خیلی وجود خارجی هم نداشته باشد و کم شده است و

ممکن است در آینده هیچ اثری از آن باقی نماند.

۲. نوع دوم، اسکناس است؛ همین اسکناس‌هایی که توسط بانک مرکزی در هر کشوری منتشر می‌شود و یک پول رایج است.
۳. نوع سوم، اوراق بدهی است که دولت منتشر می‌کند؛ در مواردی که دولت نیاز به نقدینگی دارد و برای پرداخت‌های خودش دچار مشکل است، اوراقی را منتشر می‌کند که این اوراق هر یک تضمین مبلغ معینی است؛ مثلاً کسی یک میلیون تومان می‌دهد و این اوراق را می‌خرد، این برای کمک به تأمین مالی دولت است، یا برای جنگ، یا برای بحران‌هایی که در کشور پیش می‌آید. این یک نوع پول اعتباری است، ولی نقد نیست. در ضمن تقسیم دیگری معلوم خواهد شد که پول اعتباری گاهی نقد است و گاهی بدهی؛ این جزء پول‌های اعتباری بدهی محسوب می‌شود.

البته عنایت بفرمایید ما دو قسم اوراق بدهی داریم: یک قسم اوراق قرضه یا همین اوراق مشارکت که می‌گوییم و دارای بهره است، این منظور نیست؛ اگر این اوراق بهره داشته باشد، جزء اوراق بدهی محسوب نمی‌شود. اوراق بدهی که اینجا از آن یاد می‌کنیم، اوراقی است که برای تأمین مالی در شرایط جنگی یا بحرانی توسط مردم خریداری می‌شود و دولت یا بانکی که دولت به وسیله آن این پول را منتشر می‌کند، متعهد می‌شود که به ازای آن مبلغی که در این اوراق نوشته شده، این پول را پرداخت کند.

۴. نوع چهارم که شاید در زمان حاضر کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد ولی در گذشته نه چندان دور جریان داشته، پولی است تحت عنوان پول نظامی. پول نظامی که معمولاً توسط کشورهای اشغالگر در کشور اشغال شده به جریان می‌افتد، اهداف و مقاصدی را دنبال می‌کند و به دلایلی جایگزین پول رایج کشور اشغالگر می‌شود؛ سابقه این پول را در موارد متعدد، امریکا در کشورهای تحت اشغال، انگلیسی‌ها در کشورهای اشغال شده، آلمان‌ها این کار را می‌کردند؛ اینها پول ملی خودشان را وارد کشور اشغال شده نمی‌کردند، به این دلیل که ممکن بود این پولی که وارد کشور تحت اشغال می‌شود، توسط مردم آن کشور جمع‌آوری شود و آنها گرفتار کمبود شوند. به علاوه، حجم بالایی از پول می‌بایست از کشور اشغالگر به کشور اشغال شده انتقال پیدا کند و انتقال این حجم از پول به کشور اشغال شده، مشکلاتی را برای کشور اشغالگر ایجاد می‌کرد. وقتی پول در گردش کم شود و مردم با کمبود مواجه شوند، طبیعتاً موجب افزایش قیمت‌ها، تورم و مشکلات دیگر می‌شود. لذا نوعاً کشورهای اشغالگر وقتی جایی را اشغال می‌کردند، پول خودشان را وارد آن کشور نمی‌کردند بلکه یک پول خاصی را که مربوط به همان دوران اشغال بود، تا زمانی که اشغال ادامه داشت، به جریان می‌انداختند.

اشغالگران از این مسأله چند هدف را تعقیب می‌کردند: یکی اینکه به هر حال اینها برای مبادلات نیازمند پول بودند، می‌خواستند خدمات بگیرند و از مردم آن کشور کالا بخرند؛ باید ابزاری برای این مبادلات در اختیار می‌داشتند ولی نمی‌توانستند پول خودشان را وارد آن کشور کنند. لذا این پول را به جریان می‌انداختند تا همه چیز تحت کنترل خودشان باشد و بتوانند این را دائماً در اختیار داشته باشند، مقدار پول و آن نیازهایی که باید با آن برطرف می‌شد؛ همچنین گاهی این کشورها وقتی وارد یک کشور جدید می‌شدند و آن را اشغال می‌کردند، مواجه می‌شدند با بانک‌های خالی که مردم یا دولت‌های اشغال شده، پول‌ها را برای اینکه بدست اشغالگران نیفتد، یا پنهان می‌کردند یا از بین می‌بردند؛ اینها ناچار بودند که یک پولی را به جریان بیندازند و وقتی هم که می‌خواستند از آن کشور خارج شوند و اشغال را پایان بدهند، قهراً آن پول از اعتبار می‌افتاد؛ اگر می‌خواستند پول

خودشان را وارد آن کشور کنند، این می ماند و ادامه پیدا می کرد و آن وقت به عنوان یک ابزار در اختیار آن کشور اشغال شده علیه خود اشغالگران بعداً مورد استفاده قرار می گرفت.

لذا مجموعه این امور باعث شد که یک پولی را به عنوان پول نظامی در کشورهای اشغال شده به جریان بیندازند؛ این هم پول است و توسط یک دولت جریان پیدا می کند، رایج هم می شود، اما این پول معلوم است که به چه دلیل اعتبار شده و جریان افتاده؛ و بعد هم این پول خود به خود از بین می رفت.

سؤال:

استاد: اسکناس پولی است که خود دولت به جریان می اندازد و تحت تأثیر این عوامل نیست. ... بله، به یک معنا فرمایش شما درست است که بالاخره این پول هم توسط یک دولت اعتبار شده و به جریان افتاده است. منتهی می توانیم بگوییم دولتی که اقدام به این کار می کند، تارۀ دولت ملی است و آخری دولت خارجی اشغالگر. ولی چون این عمدتاً محدود به جریان در دوران اشغال است و محصول یک اقدام نظامی است، اقتصاددانان نام این پول را گذاشته اند پول نظامی؛ چون واقعاً یک دوره محدودی دارد، یک اهداف و مقاصد خاصی را دنبال می کند و جریان آن استمرار ندارد، در یک مقطع خاصی به جریان می افتد، و الا ماهیتاً همان است که شما فرمودید که این هم یک اسکناس است.

انواع قسم دوم

این چهار قسم همه پول های اعتباری است که نوعاً دولت ها آن را به جریان می اندازند. قسم دوم آن پول اعتباری است که بانک ها و مؤسسات و بنگاه های مالی غیربانکی آن را به جریان می اندازند و دولت به یک معنا به جریان اندازنده آن محسوب نمی شود. اینها بر دو نوع اند:

۱. یک نوع اوراق بدهی بانکی است؛ یعنی حواله هایی که به صورت چک تضمینی یا حواله بانکی از بانک صادرکننده که به عهده خود اوست، در وجه بانک دیگر صادر می شود؛ این هم یک نوع پول است. اگر بخواهید یک پولی را از یک بانکی به بانک دیگر منتقل کنید، یک راهش این است که از این حساب به آن حساب و از همین طریقی که موجود است منتقل کنید؛ یک راهش این است که این پول نقد را بگیری و ببرید بانک دیگر؛ یک راه این است که بانکی که پول در آن ذخیره شده، به جای پول نقد یک چک تضمینی به شما می دهد. این چک تضمینی در حقیقت حواله ای است که این بانک در وجه بانک دیگر صادر می کند و عهده دار آن، بانک است و شخص نیست؛ برای این است که این را جدا کرده اند. بالاخره چک تضمینی بین بانکی هم پول است و با اسکناس فرق دارد، با آنهایی که گفتیم فرق دارد. پس یک نوع، اوراق بدهی بانکهاست که معمولاً بین خود بانکها و مؤسسات مالی در جریان قرار می گیرد.

۲. نوع دوم، سپرده های دیداری است که گاهی از آن به عنوان حساب های ثبتي، دفتری یا بانکی هم یاد می کنند؛ سپرده های دیداری در واقع بدهی بانکها به کسانی است که در بانک حساب دارند. وقتی شما در یک بانکی حسابی دارید و در آن وجه نقد ذخیره کرده اید، یک دفترچه و دسته چک به شما می دهند که شما با این چک می توانید پول را از یک حساب به حساب دیگر منتقل کنید. این سپرده های دیداری در بانکها یک نوع پول اعتباری است اما نقد نیست؛ پول اعتباری بدهی است؛ بانکها متعهدند کسی که این چک را نزد آنها می برد، به ازای مبلغی که در آن چک یا حواله نوشته شده، به آورنده آن، پول

تقسیم چهارم: تقسیم به اعتبار نقد یا بدهی بودن

تقسیم چهارم، تقسیم پول از حیث نقد بودن یا بدهی بودن است؛ این تقسیمات و انواعی که از این تقسیمات حاصل می‌شود، به اعتبارات مختلف گاهی ممکن است موجب تجمع چند عنوان در یک پول شود. براساس این تقسیم، پول بر دو نوع است: پول نقد و پول بدهی.

۱. پول نقد پولی است که ارزش مبادله‌ای آن در یک شیء خارجی عینیت پیدا کرده است و اعم از کاغذ یا سکه یا مثلاً چک است؛ اسکناس یا سکه یک شیئی است که ارزش مبادله‌ای در آن عینیت پیدا کرده است؛ این تعهد محسوب نمی‌شود. به تعبیر دیگر، پیوند این پول با تعهد پرداخت قطع می‌شود. شما اگر الان یک اسکناس داشته باشید و این از بین برود، اعتبارکننده پول هیچ تضمینی برای پرداخت مابه‌ازاء آن ندارد. فرض کنید یک صد هزار تومانی آتش بگیرد و بسوزد، شما نمی‌توانید به بانک بروید و بگویید صد هزار تومانی من سوخته و این را به من بده. هیچ تعهدی برای معتبر وجود ندارد. اما فرض بفرمایید یک چک از بین برود؛ کسی به شما چکی داده و این چک بسوزد و تلف شود، شما می‌توانید سراغ صادرکننده چک بروید و بگویید این چک سوخته، یک چک دیگر به من بده؛ اینجا تعهد کماکان باقی است؛ اینطور نیست که صادرکننده بگوید چک سوخته یا تلف شده، دیگر تمام شد و تو از من گرفته‌ای و تمام شده رفته، نه، چون این باید می‌رفت بانک و نقد می‌شد؛ خود این واجد یک ارزش مبادله‌ای نیست؛ یعنی به این معنا که ارزش مبادله‌ای در این کاغذ عینیت خارجی پیدا نکرده است. فرق اینها با اسکناس در همین است که ارزش مبادله‌ای در خود این عینیت پیدا نکرده است.

۲. نوع دوم، پول بدهی است؛ پول بدهی پولی است که ارزش مبادله‌ای آن در یک شیء خارجی عینیت نیافته است؛ به این معنا که این یک تعهد پرداخت است که بر عهده امضاکننده آن یا ناشر آن است. اگر اوراق بدهی دولت از بین برود، می‌توانید مراجعه کنید و مطالبه کنید آن پول را، چرا؟ چون این ورقه در واقع تعهد پرداخت از ناحیه دولت بوده است؛ یا مثلاً خود چک که مثال زدیم. همه اوراق بدهی معمولاً اینطور است.

به علاوه، نکته‌ای که در مورد این پول‌ها وجود دارد، این است که اینها از دید خود مردم قابلیت تبدیل دارند و این قابلیت تبدیل مورد توجه است؛ کسی از این حیثیت غافل نیست. همه مردم می‌دانند که این اوراق در حقیقت یک نوع برگه تعهد است و قابلیت تبدیل آن از بین نرفته است، برخلاف اسکناس که به طور کلی مردم (حداقل در زمان ما) این چنین درباره اسکناس حساب نمی‌کنند و قابلیت تبدیل برای آن نمی‌بینند. یا مثلاً سپرده‌های دیداری یک پول بدهی است؛ چک‌ها، اوراق بدهی دولت، حواله‌های تضمینی بانکی، اینها همه پول بدهی است و هیچ کدام پول نقد نیست. البته در گذشته شاید اسکناس این چنین بود، و الان فرق کرده است؛ در گذشته اینطور بود که مثلاً در آمریکا هر کسی یک دلار را بانک می‌برد، یک مقدار مشخصی طلا به او می‌دادند؛ این مثل یک سند تعهد بود. اما اسکناس‌های امروز این پیوند بینشان برقرار نیست.

تداخل اقسام

اینها بالاخره عمده تقسیماتی است که برای پول می‌توان ذکر کرد؛ ملاحظه فرمودید پول به اعتبارات مختلف چند تقسیم پیدا کرده و لذا دارای اقسام شده است. حالا وقتی یک چیز مثل پول دارای تقسیمات مختلفی می‌شود، گاهی ممکن است چند عنوان که هر یک به اعتباری تحقق پیدا کرده، در خود آن پول اجتماع کنند. ممکن است یک پولی کاغذی باشد به اعتبار

تقسیم اول، اعتباری باشد با ملاحظه تقسیم دوم، نقد باشد به اعتبار تقسیم سوم و مثلاً پول نظامی هم باشد. پول کاغذی نقد نظامی؛ وقتی چند قسم برای پول ذکر کردیم و این اقسام هر کدام به اعتباری تحقق پیدا کرد، می تواند چند عنوان تداخل پیدا کند. یک وقت ممکن است بگوییم یک پول حقیقی است اما در عین حال پول بدهی است و نه پول نقد؛ این بیشتر در زمان های گذشته شاید جریان داشته است. ممکن است بگوییم یک پولی اعتباری نقد است؛ پول اعتباری نقد مثل همین اسکناس ها. پول اعتباری بدهی مثل سپرده های دیداری. آنچه الان در میان جامعه رواج دارد، قبلاً هم گفتم عمدتاً پول اعتباری است؛ حالا اعم از نقد و بدهی. پول بدهی هم یک سازوکار دیگری دارد. ما بالاخره الان که می خواهیم درباره پول بحث کنیم، باید بدانیم درباره کدام قسم سخن می گوئیم.

«والحمد لله رب العالمین»